

متن پرسش

با سلام خدمت استاد طاهرزاده: اخیراً کلیپی در فضای مجازی پخش شده است که آقای مطالبی را در مورد دین بیان می کند که به نظر می رسد شبههاتی در آن وجود دارد. با توجه به این که نسل جوان بیشتر با فضای مجازی در ارتباط هستند، خواهشمندم نظر خود را در مورد درستی مطالب بیان شده بفرمایید. متن صحبت های این آقا به صورت زیر است: «این روزها بحث در مورد دین و مذهب، حسابی تو جامعه بالا گرفته. یه عده میگن دستورات دین باید قانون بشه و یه عده میگن تو طول تاریخ هر بلایی سر انسان اومده زیر سر همین دینه. عمده ی تنفر مردم از مذاهب به خاطر رفتار پیروان مذاهبه این که یک نفر نماز می خونه، کلیسا میره، روزه می گیره، اما حق خوری میکنه، ظلم میکنه، دروغ میگه! مثلاً یه کلیپی رو نگاه می کنی که توش یه آدم بی دین داره به یه حیوان بی پناه محبت می کنه و اون طرف، یک آدم دیندار داره حیوان آزاری می کنه و زیر کلیپ نوشته انسانیت بهترین دین است و مشکل دقیقاً از همین جا شروع میشه. خیلی ها فکر می کنند انسانیت میوه ی دینه. نه! انسانیت میوه ی عقله. انسانیت دین نیست، وظیفه ست. خوب بودن، عادل بودن، صادق بودن، وظیفه ی ماست. چون نعمتی به اسم عقل داریم که بقیه ی موجودات ازش بی بهره اند و چون امکان اضافه تری داریم پس وظیفه ی سنگین تری هم روی دوشمون هست. خیلی از دین دارها فکر می کنند چون ظلم نمیکنن، چون رحم میکنن، چون دروغ نمیگن، باید براشون کف زد. نه! انسانیت وظیفه ست، اسمش روشه. انسانیت یعنی مختص انسانه. مگه از انسان جز انسانیت و از حیوان جز حیوانیت انتظار میره؟! پس خوب بودن حکم عقله، نه دین. و اگر هیچ پیامبری برای بشر نمیومد، بشر تا الآن باید تمام این مفاهیم رو خودش می فهمید و رعایت می کرد. این را بدان که دین مرتبه ی پس از انسانیت، نه قبل از انسانیت. انسانیت سقف دین نیست، کف دینه. دین میگه اولین و ابتدایی ترین وظیفه ی تو اینه که آدم باشی، چون آدم خلق شدی و وقتی که تمام قوانین انسانیت را رعایت کردی و به یک انسان تمام معنا تبدیل شدی، اون موقع بیا من یک سری دستورات ویژه برات دارم که تو را به مراتب خیلی متعالی تری نسبت به انسانیت میبره. دین نیومده تو را انسان کنه. انسان سازی وظیفه ی ماست. دین اومده تو را شبیه به خدا کنه و برای شبیه خدا شدن لازمه که اول شبیه انسان شد. دین تو را دعوت می کند به دیدن پشت پرده ی عالم، به شناخت عالم غیب، به کشف حقیقت هستی، به راز خلقت، به عاشقی با پروردگار و گسترش تمام ابعاد وجودی انسان. اما همه ی این ها بعد از تحقق انسانیت امکان پذیره. انسانیت اولین پله از نردبان دینه و تا کسی پایش را روی این پله نگذاره امکان ندارد بتونه پایش را روی پله های بعدی بگذارند. کسی که انسانیت را در خودش زنده کرده

شبيه بذر مستعده و دين آبی هست که می‌تونه این بذر را به یک درخت تنومند تبدیل کنه. اما انجام مناسک دینی بدون تحقق انسانیت مثل اینه که ۵۰ سال روزی پنج بار آب به زمینی بدهی که هیچ بذری توی آن نیست. کسی که دین داره اما انسانیت نداره، سوار قطار شهربازییه. داره سر جای خودش می‌چرخه اما فکر میکنه داره به مقصد میرسه. فقط توهم رسیدن داره. کسی که انسانیت داره اما دین نداره، سوار یه قطار واقعیه و با اون قطار می‌تونه هر جایی که روی زمین خدا خواست برود. اما کسی که هم دین داره، هم انسانیت، پر پرواز داره. دین بدون انسانیت یه شوخی کودکانه ست. کما اینکه بارها و بارها در متون دینی دیدید که کسی که رحم ندارد، ایمان ندارد. کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد. یه نکته ی خیلی خیلی مهم اینجاست و اون اینه که نباید تدین را با ایمان اشتباه بگیري. خیلی ها دین دارن اما ایمان ندارن. شاید باورتون نشه اما تدین، آدم خوب را خوب تر و آدم بد را بدتر می‌کنه. کسی که تا دیروز رحم داشت، وقتی دین دار میشه رحمش از قبل بیشتر میشه و حتی دیگه پایش را روی مورچه هم نمیگذاره. چرا؟ چون میگه این مخلوق معشوق منه. اما کسی که تا دیروز رحم نداشت، وقتی دین دار میشه، بی رحم تر میشه. درست مثل داعشی‌ها که سر می‌بریدن و افتخار هم می‌کردن. چون این بار برای بی رحمی خودش، پشتوانه و توجیه قوی هم پیدا کرده. شاید بگین چی میگی آقای تمسکی! مگه میشه دین آدم خوب را خوب تر و آدم بد را بدتر کنه؟ من نمی‌گم. خود خدا توی قرآن در مورد بزرگترین معجزه ی بزرگترین پیغمبرش این را میگه. «ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین» این قرآن مایه ی شفا و رحمت برای مؤمنه. مؤمن کیه؟ کسی که امنه. کسی که تو میتونی کنارش خودت باشی بدون این که ترس از قضاوت داشته باشی. میگه این قرآن شفای دل مجروح مؤمنه. اما آیا شفای دل ظالم هم هست؟ میگه هرگز! «و لایزید الظالمین الا خسار» این قرآن برای ظالم فقط مایه خسارته، نه هدایت. اگه میخوای بحث را کامل بفهمی به این مثال دقت کن. وقتی یه سیب زمینی و یه تخم مرغ را با هم توی ظرف آب جوش میندازی، آب جوش محتویات نرم داخل تخم مرغ را سفت می‌کنه اما محتویات سفت داخل سیب زمینی را نرم می‌کنه. آدم خوب مثل سیب زمینییه. وقتی با دین مواجه میشه درونیاتش لطیف تر و نرم تر از قبل میشه اما آدم بد مثل تخم مرغ در مواجهه با آب جوش درونیاتش و قلبش زمخت تر از قبل میشه. درست مثل داعشی‌ها که بعد از دین آوردنشون بی رحم تر شدن. جان کلام این که نماز و روزه و حج و زکات نیومده انسان بسازه، اومده انسان را به معراج ببره. نماز، آدم بد را خوب نمیکنه، آدم خوب را خوب تر می‌کنه. دنیا پر است از آدم‌های خوب بی نماز و آدم‌های بد نمازخوان. روزی ۱۷ بار تعظیم کردن جلوی پروردگار باعث نمیشه من عقده های روانی ام، احساس حقارتم، تنگ نظری ام و حسادتم شفا پیدا کنه. اونها مشاوره، مطالعه کتاب، مبارزه با نفس و تمرین و اتاق درمان می‌خواهد. ما تا حالا ندیدیم کسی که احساس خودکم بینی داره با نمازخواندن احساس کفایت کنه. یا یه آدم حسود با روزه گرفتن عزت نفس پیدا کنه. بحثم را با یک داستان تکان دهنده اما واقعی جمع می‌کنم. داشتم روزی شرح حال یکی از عرفا را می‌خواندم که یه آقای اومده بود پیشش و اصرار کرده بود که بگو چهره برزخی یا چهره ی ملکوتی من

چه شکلیه؟ اون عارف گفته بود: ناراحت نمیشی؟ گفته بود نه، من برای اصلاح خودم اومدم. گفته بود شبیه الاغ می مونی! اون شخص تشکر کرده بود و رفته بود چهل روز، شبها نماز شب و روزها روزه گرفته بود و روی سجاده مشغول عبادت بود. بعد از چهل روز برگشت پیش این عارف و گفت بگو من چه شکلی شدم؟ اون عارف بهش گفته بود شبیه یک الاغ نورانی شدی! هزار تا کتاب توی این جمله ست. الاغ نورانی! دین اومده برای نورانی کردن اما تا موقعی که آدم نشیم، نورانی شدن به چه دردمون میخوره؟ کما اینکه امام حسین علیه السلام و بقیه اولیای دین را همین الاغ های نورانی به شهادت رساندند! هیچ چیز توی دنیا خطرناک تر از دین دار شدن بدون آدم شدن نیست. چون همچین شخصی به خودش اجازه این را می دهد که هر رفتار غیر انسانی را از خودش نشون بدهد، مضاف بر اینکه احساس تقرب و معنویت هم می کند. درست مثل کسی که با لگد توی پهلوی دختر مردم می زند برای این که بهش تذکر حجاب بدهد. پس اول به خودم و هرکسی که صدای من را می شنوه میگم که به قول سعدی آدمی را آدمیت لازم است. تا آدم نشیم دین به کار ما نخواهد آمد. تمام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است و به همین جهت قرآن، شرط استفاده از خود را تقوای اولیه می داند به این معنا که اگر کسی بنا داشته باشد در تقوا، پایدار و عمیق شود؛ قرآن کمکش می کند. اخیراً نیز جناب آقای موسویان در مباحثی که در رابطه با «امر به معروف» داشتند متذکر این امر شدند که به هر حال باید معروف یعنی امر پذیرفته شده را مخاطب شما قبول داشته باشد که رعایت آن را با او در میان بگذارید. در این مورد خوب است که به صوت های «امر به معروف» ایشان رجوع شود. <https://eitaa.com/matalebevijeh/14454>

جناب آقای دکتر مصطفی محقق داماد در کتاب «فاجعه جهل مقدس» نکاتی در همین رابطه فرموده اند که بنده خلاصه ای که از آن کتاب برای خود در این رابطه برداشته ام را خدمتان تقدیم می کنم. موفق باشید

آری! جمع بین سیاست و اخلاق ممکن است آنگاه که متوجه باشیم آن اخلاق ما را در وسعت تاریخ قدسی و معنوی خود حاضر می کند. ابتدا باید معلم خود بود و سپس معلم دیگران. خطر دینداران کج اندیش آن است که تمام صفات خوب را در قالب دین و پوشش دین ولی درست در جایی برعکس آن جایی که دین بدان اشاره دارد، جای می دهند.

اگر قرآن فرمود: «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ» (توبه/۱۲۵) باید گفت اصولاً معنای این که خداوند افزایش مرض و ضلالت را در برخی آیات به خود نسبت می دهد همین مانع هدایت بودن دین است چنانچه کسی دین را دست کم بگیرد و در فهم آن سعی نکند آب را از چشمه بر ندارد، نه تنها مایه هدایت او نمی شود بلکه موجب گمراهی، سرگردانی،

بدبختی و همچنین بلای خانمان سوز او خواهد شد.

تنها کسانی می‌توانند از رهنمودهای قرآن برای تعالی بهره بگیرند که سودای آن را در سر داشته باشند به گفته جناب مولوی

زان که از قرآن بسی گمره شدند زان رسن قومی درون چه شده‌اند

مر رسن را نیست جرمی ای عنود چون تو را سودای سربالا نبود

خلاصه آنکه اگر کسی رویکرد فکری و فرهنگی متعالی داشته باشد، با درک عقلانی و اخلاقی از قرآن کریم می‌تواند زندگی نیکو و مناسبات درستی را با دیگران بسازد. قرآن «حبل الله متین و عُرْوَةُ الْوُثْقَى الهی» است. فقط باعث هدایت و تعالی کسانی است که ویژگی‌شان هدایت جویی و هدف‌شان بالارفتن و آسمانی‌شدن است.

خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲) کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان خود را به شرک نمی‌آلاینند، ایمنی از آن ایشان است و ایشان هدایت یافتگان‌اند.

فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳) پیام این آیه این است: در فضایی که دین و تفسیر متون و مفاهیم دینی و اداره امور در دست شخصی مانند علی «علیه‌السلام» قرار گیرد، دین برای بشریت نعمت است و در غیر این صورت چنانچه به جای مولای متقیان «علیه‌السلام» اشخاصی مانند معاویه و امثال او به جای آن حضرت بنشینند همان دین، بلا و آفتی خانمان سوز خواهد بود. اینان همان طاغوتی هستند که در آیه ۵۱ سوره نساء در موردشان فرمود: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» یعنی آیا کسانی را که نصیبی از کتاب داده شده‌اند ندیدی که به جبت و طاغوت ایمان می‌آورند و درباره کافران می‌گویند که راه اینان از راه مومنان به هدایت نزدیک‌تر است؟

- جاهلیت مقابل عالمیت نیست، مقابل عاقلیت است.

قرآن می‌فرماید وَ نُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»

(اسراء/۸۲) در این آیه دو گروه بررسی می‌شوند مؤمنین و ظالمین، نه مؤمنین و کافرین.

در جامعه جاهلی همه صفات زشت، هر چند مردم آنها را مرتکب می‌شدند بد بود، ولی خطر در جامعه دینی این است که دین، ابزار توجیه زشتی‌ها می‌شود.

امام در شب عاشورا به اصحاب فرمودند اگر من مهلت خواستم برای خودم نبود بلکه برای شما بود.

ایشان می‌خواست با استفاده از تاریکی شب یک انتخاب آزاد صورت گیرد و هر کس به دور از هرگونه تحمیل و تعارف بتواند تصمیم بگیرد.

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) الْمُنْعَبِدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَ لَا يَبْرَحُ. عبادت کننده ناآگاه از

دین، همچون خر آسیاب است، که دور خود می‌چرخد ولی از جایی که هست بیشتر نمی‌رود.

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا. کسی که بدون بینائی عمل کند چون کسیست که بیراهه رود و سرعت رفتن جز پرتی از راه برایش نیفزاید.

قال: النبي صلى الله عليه وسلم: الناس معادن كمعادن الذهب والفضة، خيارهم في الجاهلية خيارهم في الإسلام إذا فقهوا وشراركم في الجاهلية شراركم في الإسلام

کتاب فاجعه جهل مقدس صفحه ۲۱۹ حال اگر عبادت مبتنی بر معرفت باشد انسان به تمام معنا متوجه حق و حقیقت می شود وگرنه عبادت موجب شقاوت می گردد همانطور که خداوند در قرآن فرمود
فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَأُونَ (۶) وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تهدید کننده آینده امت اسلامی را «سوء تدبیر» می دانند. و می فرماید: ما أخافُ على أمتي الفقرَ ، ولكن أخافُ عليهم سوءَ التدبيرِ.. من برای امتم از فقر نمی ترسم ؛ ولی از سوء تدبیر ترسانم. آری فقر معلول سوء تدبیر است.